

شاهی که یک حرمسرا را زنده به گور کرد

۱۷ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۲۲

شاه صفی در سال سوم پادشاهی تمام شاهزادگان صفوی و بستگان خود را، از برادر و اعمام و عموزادگان و نوادگان دختری شاه عباس، کور کرد و کشت.

شاه صفی ششمین پادشاه خاندان صفوی است. مشهور است که هنگام تولد، هر دو دستش پر از خون بود. جدش شاه عباس چون از این امر آگاه شد متاثر گشت و به نزدیکان خود گفت که اگر این پسر روزی به سلطنت نشیند دست به خون مردم بی گناه خواهد شست! چیزی نگذشت که پیش‌بینی شاه عباس درست درآمد. شاه صفی در دوره کوتاه سیزده سال و نیم سلطنتش تمام شاهزادگان صفوی و بستگان آن خاندان را هلاک کرد و بسیاری از مردان و سرداران نامی ایران را، که به جدش هم خدمات بزرگی کرده بودند به اتهامات واهی سر برید و چند تن را نیز به دست خود کشت.

شاه صفی در سال سوم پادشاهی تمام شاهزادگان صفوی و بستگان خود را، از برادر و اعمام و عموزادگان و نوادگان دختری شاه عباس، کور کرد و کشت. از آن جمله عیسی خان قورچی‌باشی را که از بزرگترین امیران صفوی بود با سه پسر رشیدش، بی هیچ گناهی سر برید. بهانه کشتن قورچی‌باشی و پسران وی این بود که او، از جانب پدر، با دودمان صفوی نسبت داشت و نسبش به سلطان جنید، جد صفویه می‌رسید. به علاوه، چون داماد شاه عباس بزرگ بود، پسرانش نیز از جانب مادر نوه آن پادشاه و عمه‌زادگان شاه صفی بودند.

شاه صفوی، بعد از آن که تمام شاهزادگان و نزدیکان خود را با جمعی از سرداران بزرگ ایران هلاک کرد، و حتی چنان که خواهیم گفت ملکه و مادر یگانه فرزند خویش محمد میرزا را هم به دست خود کشت، جمعی از زنان حرم به قصد انتقام و از بیم جان خویش در کشتن وی همدستان شدند و زهری در طعامش داخل کردند ولی اتفاقاً آن زهر چندان کاری نشد که او را از پای درآورد و پس از دو ماه بیماری شفا یافت.

شاه صفی پس از تحقیق و تفتیش دریافت که آن زهر در حرمسرا فراهم گشته و به دستیاری عمه‌اش یعنی زن بیوه عیسی خان قورچی‌باشی، در طعام وی داخل گشته است. شبی از حرمخانه شاهی صدای ناله و زاری برخاست و فریاد و فغان و شیون بانوان حرم بر آسمان رفت. بامداد روز بعد معلوم شد که به فرمان شاه در حرمخانه گودالی بزرگ کنده و چهل تن از بانوان و دوشیزگان و کنیزکان را زنده به گور کرده‌اند. عمه شاه نیز یکی از آن جمله بود. چون روز بعد خبر دادند که مادرشاه هم پس از بیماری کوتاهی

در گذشته است، شهرت یافت که شاه او را نیز با دیگران زنده به گور کرده است!

شاهی که یک حرمسرا را زنده به گور کرد

درباره کشتن ملکه، مادر ولیعهد، نوشته‌اند که روزی شاه‌صفی در جلفای اصفهان به خانه کلاتر آرامنه رفت و چندان شراب نوشید که از مستی سر از پای نمی‌شناخت. در همان حال به حرمخانه آمد و ملکه را، که زنی گرجی و مادر یگانه پسرش بود احضار کرد. ملکه چون خبر یافت که شاه مست است در آمدن تامل نمود. شاه نیز از شدت مستی به خواب رفت. ولی پس از لحظه‌ای بیدار شد و چون ملکه را ندید خشمگین گشت و باز او را طلب کرد.

خواجگان به اتاق ملکه رفتند و به او خبر دادند که شاه در انتظار وی و از نیامدنش متغیر است. ملکه به شتاب نزد شاه رفت و چون دید که او دوباره به خواب رفته است، به اتاق کوچکی که پهلوی اتاق شاه بود و معمولا بسترهای سلطنتی را آنجا روی هم می‌گذاشتند رفت و در پس پرده نشست.

شاه همین که باز بیدار شد و ملکه را ندید با تغییر پرسید که چرا نیامده است؟ مادرش که کنیزی گرجی بود و با عروس خود، به علت آنکه بدو بی‌اعتنایی می‌کرد دشمنی داشت، گفت که ملکه در پس پرده اتاق مجاور پنهان شده است. شاه با غضب برخاست و به پشت پرده دوید و با خنجر خویش چند ضربه بر شکم آن زن بی‌گناه زد و بی آن که از این کار ناپسند متاثر گردد، به جای خود بازگشت و دوباره به خواب رفت.

صبح روز دیگر که از خواب برخاست و دانست که زن عزیز و بیچاره خود را در مستی کشته است، به سختی از کرده خود پشیمان شد و فرمانی در منع شراب خواری صادر کرد. به دستور او تمام میخانه‌ها را بستند و خم‌های شراب را در هم شکستند. ولی این فرمان دیری معتبر نماند. چندی نگذشت که شاه خود توبه شکست و بازار شرابخواری و مستی از نو رونق گرفت.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۷۴۹۵/یک-شاهی-حرمسرا-را-زنده-به-گور-کرد>